

پیش‌خوران

زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید سیدعبدالحسین دستغیب»

در آیینه یک اثر نو انتشار

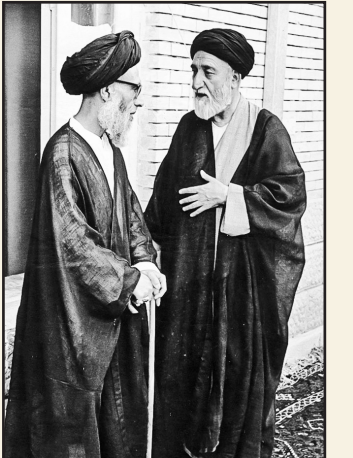
در آمیزنده عرفان و جهاد

■ **علی احمدی فراهانی**



اثری که هم اینک می‌رود (همانگونه که از نام آن پیداست) می‌کوشد تا زندگی و مبارزات شهید محراب آیت‌الله شهید سید عبدالحسین دستغیب شیرازی

را به مدد اسناد و خاطرات باز گوید. این پژوهش مشترکاً از سوی حمید سفیدگر شهابی و محمد چغایی اراکی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است.
تاز نمای ناشر در اشارتی کوتاه، این کتاب را به ترتیب بی‌آمده معرفی کرده است: «در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، علمای شیعه در سطوح و مراحل مختلف، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. با دقت در عنوان انقلاب مردم ایران و صفت جدانشدنی آن، نقش و جایگاه علمای شیعه به خوبی آشکار می‌گردد. با شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، شاگردان قدیمی ایشان که هریک در ناحیه‌ای مصدر امری بودند، نهضت را در منطقه خود رهبری کردند. در شهرهای بزرگ علمای جلیل‌القدری حضور داشتند که پاسخگویی به مسائل و مشکلات مردم منطقه بودند. از جمله این علما، می‌توان به آیات عظام، شهید صدوقی در یزد، شهید مدنی در همدان، شهید اشرفی اصفهانی در کرمانشاه، شهید قاضی طباطبایی در تبریز و مرحوم خادمی در اصفهان و دهها نفر دیگر اشاره کرد. شهید آیت‌الله عبدالحسین دستغیب نیز از جمله ایشان است که با قدمت تخصص و برجستگی خانوادگی در شیراز، یکی از کانون‌های علمی و فقهی آن سامان به شمار می‌رفتند. آن عالم نامور علاوه بر مقام علمی، فقهی، عرفانی و اخلاقی، در جریان نهضت اسلامی،



۴۰ شهید آیت‌الله سیدعبدالحسین دستغیب در گفت‌وگو با یکی از روحانیون شیراز

مبارزات بی‌مانی را علیه حکومت پهلوی آغاز کرد و در این راه، بارها به زندان افتاد. آیت‌الله دستغیب در کنار مبارزه با حکومت پهلوی، در خدمات اجتماعی و فرهنگی هم پیشگام بود، همچنان که در منبر واعظی توانا و معلم اخلاق به شمار می‌رفت، آثار و تألیفات زیادی هم از خود به یادگار گذاشت که در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، نقش مهمی در تحولات فکری جامعه داشت…»

این تحقیق در بخشی از خود، واکنش شهید آیت‌الله دستغیب به ماجرای جشن هنر شیراز را اینگونه روایت و تحلیل کرده است: «همزمان با برنامه جشن هنر شیراز، آیت‌الله دستغیب به عنوان سکاندار انقلاب اسلامی در این شهر، روی منبر ماجرای جشن هنر از مطرح نموده و تحت عنوان نهبی از منکر، به شدت بدان اعتراضی کرد. اعتراضات آیت‌الله در آن دوره، ساواک را به شدت سردرگم می‌کند، به طوری که این نهاد در گزارشی می‌نویسد: در روز جمعه سوم ماه رمضان، آقای حاج سیدعبدالحسین دستغیب در مسجد جامع و روی منبر، از جشن هنر به شدت انتقاد می‌کند و می‌گوید خداوند لعنت کند کسانی که در این جشن شرکت می‌کنند… ساواک همچنین گزارش داد: [نامبرده اظهار داشت] ما جشن هنر (بی‌هنری) را محکوم نموده و نمی‌گذاریم دیگر امسال برپا شود و حاضرین با سه مرتبه فریاد صحیح است، و اما تأیید نموده‌اند. دستغیب ادامه داد: پادشاه مسلمان در تخت جمشید پشت سر زرتشتیان عکس گرفته و عکس… هنوز هست. خودشان می‌گویند مسلمان هستند، ولی کارگران را خواستار طردوی از شیراز می‌شود؛ ضروری است به منظور جلوگیری از تحریکات بیشتر، مخصوصاً با فرارسیدن جشن هنر، مشارالیه از منطقه طرد گردد…»

نیم‌احمدپور

چهره‌سازی از ملیجک‌ها و پله قربان گویان پهلوی

دوم، دبری است که در دستور کار تله‌ویزیون‌ها و کانون‌های وابسته به این جریان در فجازی قرار گرفته است. این تبلیغات پوچ و در مواردی مضحک، معمولاً از نوجوانان کم‌مطالعه و اطلاع‌سراغ می‌گیرد. این در حالی‌است که پرونده‌های

این افراد در ساواک و بوتلن‌های مربوطه – که برای اطلاع شخص شاه و سوسیگیری بهنگام وی تدوین می‌شد– به اندازه کافی شخصیت و رویکرد آنان را آشکار می‌سازد. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ۱۳ساله پهلوی دوم، در عداد این عناصر به شمار می‌رود. از حدود دو دهه قبل که فرآیند اعاده حیثیت به نامبرده کلید خورد، رفع و رجوع اطلاعات موق ساواک درباره‌ی وی، همواره یکی از دغدغه‌های قلم به دستانی است که برای این پروژه اجیر شده‌اند؛ در سالروز ۱۶ آبان ۱۳۵۷، یعنی همان روزی که هویدا ازاده ملوکانه! دستگیر شد، پاره‌ای از این اسناد را مورد خوانش تحلیلی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **شاه حاضر نشد که سه‌گانه فرار، خادم ۱۳ساله‌اش را نیز با خود ببرد**

در شهریور ۷، امیرعباس هویدا سمت وزارت دربار استعفا داده شد؛ چه اینکه در دوره اوج‌گیری انقلاب اسلامی، سعی می‌شد تا از چهره‌هایی که تداوی‌گر گذشته هستند، کمتر در مناصب رسمی استفاده شود. چندی بعد و به دستور شاه، او را به زندان انداختند تا سپر بلای ارباب شود. شاه هنگام فرار از ایران سگ‌های خود را برد، اما هویدا را نبرد؛ او بااین همه جای این پرسش است که شاه از چه روی با چنین رفتاری کرد؟ طایفه چرایی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره می‌نویسد:

«هویدا بلافاصله پس از برکناری از نخست‌وزیری به جای اسدالله علم – که به دلیل ابتلا به سرطان خون، آخرین روزهای عمرش را می‌گذراند– به عنوان وزیر دربار آغاز به کار کرد، اما پس از ۱۳ ماه از این سمت استعفا کرد. فریدون هویدا درباره استعفاي برادرش می‌گوید: امیرعباس راجع به کناره‌گیری خود از وزارت دربار می‌گفت به خاطر ابراز مخالفت با دستور شاه راجع به تیراندازی به سوی مردم، در اوایل سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۷ شهریور ۱۳۵۷) از این شغل نیز استعفا داده است… ولی نباید از نظر دور داشت که نویسنده در ص ۴۵ همین‌کتاب عهدۀ کار کرده‌است که شاه پس از برکناری جمشید آموزگار و گماردن جعفر شریف‌امامی به جای وی، برای آنکه تغییر جهت‌گیری‌های سیاسی محسوس باشد، بسیاری از مقامات را از کار برکنار کرد که هویدا نیز یکی از آنان بود. به همین دلیل در اظهارات برادر وی، دو قول متناقض می‌بینیم. پس از استعفاي آموزگار، شریف‌امامی بر مسند قدرت نشست و به دنبال سقوط وی، دولت نظامی ازهارگی عهدۀ دار امور شد. شاه در کتاب پاسخ به تاریخ می‌گوید: ازهارگی چون مشتاق بود حسن‌نیت خود را به مخالفان نشان دهد، فوراً ۱۲ تن از مقامات عالی‌رتبه را توقیف کرد که از آن

عاریج

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



دهه ۵۰، امیرعباس هویدا در حاشیه یکی از یاز دیدها

چهره‌سازی از ملیجک‌ها و پله قربان گویان پهلوی دوم، دبری است که در دستور کار تله‌ویزیون‌ها و کانون‌های وابسته به این جریان در فضای مجازی قرار گرفته است. این در حالی‌است که پرونده‌های این افراد در ساواک و بوتلن‌های مربوطه – که برای اطلاع شخص شاه و سوسیگیری بهنگام وی تدوین می‌شد– به اندازه کافی شخصیت و رویکرد آنان را نمایان می‌سازد. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر ۱۳ساله پهلوی دوم در عداد این عناصر به شمار می‌رود

نموده است و چک از قرار معلوم از سوی آقای کاشفی وصول و معلوم نیست آیا واقعاً مبلغ مذکور، به حساب مزبور واریز شده یا خیر؟
نظریه‌شبه: احمد کاشفی، رازدار و محرم آقای هویدا و مدت ۱۵ سال مسئول مالی نخست‌وزیر بوده و در این فعلل و انفعالات مالی وارد است. هم‌اکنون نیز در وزارت دربار، کارهای مالی آقای هویدا به‌وسیله وی انجام می‌پذیرد. علیهذا بعید نیست که مبلغ مذکور را برای مصارف و مخارج خود بر داشت نموده باشند.

نظریه سه‌شنبه: شبهه شخص صادق و بااطلاعی است و خبر فوق را در محیط کار خود شنیده است.

سند چهارم: پرونده‌های بازگشته

برابر اظهارات خصوصی آقای محمد بیگلری رئیس اداره حفاظت نخست‌وزیری و همچنین عبدالمجید قنواتی مسئول امور بایگانی محرمانه، تعدادی از پرونده‌های به کلی سری و محرمانه که نخست‌وزیر سابق آقای هویدا در گاو صندوق اتاق خود نگهداری می‌کرده، به بایگانی محرمانه عودت نداده و به احتمال قوی به منزل خود یا جای امن تری منتقل نموده‌اند.

نظریه شبهه: اظهارات نامبردگان به احتمال قوی صحت دارد و این پرونده‌هایی بوده که به طریق مختلف در آن سوءاستفاده شده یا دستوراتی برخلاف قوانین و مقررات صادر شده است.

■ **نظریه سه‌شنبه:** شبهه شخص مطلع و صالحی است. »

■ **درباره نامبرده:** سادۀ زیستی و بی‌رغبتی او به مال و مکتت است! این در حالی‌است که این پرونده، نمایانگر رفتارهایی کاملاً معکوس با این ادعااست.

تازمانی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، طی مقالی در این موضوع، بخشی از اسناد مربوطه را نیز بازخواندند:

«بخشی از وظیفه اداره کل امنیت داخلی ساواک، رصد و مراقبت نهادها و شخصیت‌های حکومت پهلوی بود. طبیعی بود امیرعباس هویدا که بیش از ۱۰ سال نخست‌وزیر بود و اطرافیان اصلی او در دولت دربار و دبیر کلی حزب ایران نوین را هم بر عهده داشت، یکی از سوز‌های ساواک باشد. یکی از مواردی که در پرونده او در ساواک به چشم می‌خورد، مسائل مربوط به سوءاستفاده‌های مالی او و اطرافیان است که از سوی یکی از منابع ساواک – که سطح دسترسی‌اش به اخبار و تحولات حلقه هویدا خوب است – گزارش می‌شود. چند سند از پرونده او به شرح زیر است:

■ **سند اول: گل‌فروشی مدرن مسمر هویدا از بودجه نخست‌وزیری**
خانم لیلی‌امامی همسر سابق نخست‌وزیر برای پرورش گل‌گلخانه‌ای در کرج تأسیس نموده که به‌طور کلی تأسیسات ساختمان و وسایل مربوط به آن، بدون گمرک و به عنوان نخست‌وزیری وارد شده و از نظر فنی و غیره نیز تمامی پرسنل فنی نخست‌وزیری به خصوص آقای مسطفی بهرامی تکنسیون برق، در هفته دلی سه روز در گلخانه خانم مزبور انجام وظیفه می‌نمایند. قسمت عمده فعالیت‌های گلخانه، با نیروی انسانی و بودجه نخست‌وزیری اداره و هدایت می‌شود در حالی که خانم‌امامی هر سید گل را از ۴۰۰ الی ۱۰۰۰ تومان به تخصص‌وزیری می‌فروشد در ایام نوروز و کریسمس، متجاوز از ۲۵۰ هزار تومان پول گل به ایشان پرداخت می‌شود. جای تأسف است موقعی که صورتحساب از سامان گل به کارپردازی نخست‌وزیری می‌رسد، هیچ‌کس جرئت ندارد روی فاکتور را بررسی نماید و در مدت یک ساعت، چک سامان گل آماده می‌شود (ضمناً یک اتومبیل بنز ۲۸۰ با دو نفر راننده نخست‌وزیری در اختیار ایشان قرار دارد).

سند دوم: هزینه‌های سرسام‌ور آقای نخست‌وزیر در چندماهه گذشته هزینه مهمیانی‌های خصوصی و اداری نخست‌وزیر به‌قدری افزایش یافته که واقفاً سرسام‌آور است و در دوماهه گذشته در هر هفته، کمتر شبی بوده که چند نفر میهمان خصوصی نداشته باشد و یکی از اقلام بسیار کلان، مخارج و هزینه کادو و هدایای کریسمس است که برای دیپلمات‌های مقیم تهران و خبرنگاران خارجی و دوستان خصوصی فرستاده می‌شود و برای مثال در چند هفته اخیر، فقط ۷۰۰ کیلو خاویار از قرار کیلویی ۵۰۰ تومان، کادو داده شده است.

سند سوم: چک صدملیونی آخرین روز کاری هویدا به‌طوری‌که در نخست‌وزیری شنیده می‌شود، آقای هویدا چند ساعت قبل از تغییر سمت و استعفا از سمت خود، چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان با امضای خود در وجه دفتر مخصوص علیاحضرت شهبانو صادر

روزنامه جوان | شماره ۶۸۹۰

آن را عدم موفقیت دولت درباره مسکن، برق و سایر مشکلات می‌دانند و برای شاهد یا اثبات این ادعا به سخنرانی اخیر چند وکیل مجلس شورای ملی استناد می‌کنند که به دولت درباره مسکن تاخته و گفته‌اند دولت همه را با وعده و دروغ صاحب‌خانه و آپارتمان کرده‌است و سخنرانی اخیر آقای [هوشنگ] انصاری نیز مزید بر علت شده تا همه بیشتر به این شایعه دامن بزنند.

نظریه‌شنبه: آنچه معلوم است و بر همه پوشیده نیست، این است که ظرف ۱۰ سال اخیر، قیمت خانه‌ها و اجاره‌خانه و غیره تا ۱۰ برابر ترقی کرده، در حالی که درآمد کلی مردم و به ویژه کارمندان دولت، شاید یک‌برابر بیشتر نشده است و متأسفانه دولت هویدا با تمام تبلیغ و سروصداهایی که بعضاً راه می‌اندازد، تاکنون نتوانسته است جلوی ترقی کاذب قیمت‌ها را بگیرد و در این رهگذر به مردم طبقه پایین و به خصوص کسانی که فاقد مسکن هستند، بیشتر از همه ظلم شده و می‌شود و این موضوع باعث یک نارضایتی عمومی در سطح اکثریت کشور شده که ادامه این موضوع به صلاح مملکت نیست و به قول خیلی‌ها، لایحه مالک و مستأجر نیز که بالاخره پس از چهارسال و نیم از تصویب نهایی گذشت، هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

نظریه یک‌شنبه: نارضایتی اکثریت مردم که به‌طور مسلم، پایه و مسبب اصلی بیشتر فعالیت‌های مضره سیاسی و مستمسک خوبی برای تبلیغ عوامل مخالف وابسته به دسته‌جات و گروه‌های خرابکار است، در شرایط فعلی کشور موضوعی نیست که دست کم گرفته شود و ادامه آن مشکلات زیادی برای مراجع مسئول و ساواک به وجود می‌آورد و احتیاج به چاره‌جویی اساسی دارد.

نظریه سه‌شنبه: نظریه یک‌شنبه تأیید می‌گردد.

■ **نظریه چهارشنبه:** نظریه سه‌شنبه تأیید می‌گردد.

■ **نماد هویدا را «شوقی افندی» انتخاب کرده‌است!**

از جمله اتهامات شاخص امیرعباس هویدا، سرسپردگی نامبرده به فرقه بهائیت است. او اما در محکمه خویش پس از پیروزی انقلاب اسلامی به انکار این امر پرداخت. در حالی که گزارشات ساواک در این باره، روایتی دگر دارد؛ نمونه آن سندی به تاریخ ۷ شهریور، ۱۳۴۵ است:

«اظهارات بهرام شاخرخ درباره آقای نخست‌وزیر روز پنجم شهریور ۱۳۴۵، آقای بهرام شاخرخ رئیس مؤسسه خبرگزاری آلمان در تهران به‌طور کاملاً خصوصی ضمن بحث پیرامون اعلامیه صادره به امضای مهندس نصرت‌الله احمدپور اظهار نمود، هویدا سعی داشت گذشته‌ها را به لجن کشید و تیره سازد و من تصمیم نگرفتم در صورتی که به روش خود ادامه دهم، موضوع بهایی بودن او و پدرش را که منشی شوقی افندی بوده است و ام‌عباس را نیز همان شوقی افندی برای بزرگداشت نام برادر [پدر بزرگ] عباس افندی بر هویدا نهاده است و امیر را هم به خاطر احترام برادرش [پدر بزرگش] با اول آن افزوده است ولی ملامت کنم، ولی خوشبختانه شانس دیگری به‌طور ناقص این عمل را انجام داده و من تا حدودی خیالم راحت شد.

نظریه منبع: بهرام شاخرخ در این چند روزه، بسیار ناراحت و عصبانی به نظر می‌رسد.

نظریه رهبر عملیات: به نظر می‌رسد منظور بهرام شاخرخ از شخص دیگری که مطالبی درباره آقای نخست‌وزیر نوشته است، اعلامیه صادره به امضای نصرت‌الله احمدپور بوده است…»

اسناد ساواک همچنین با شنود و گزارش جلسه‌ای در منزل دکتر محمود حسایی، دیدگاه وی در این قفره را چنین منعکس ساخته است:

پیش از ظهر روز جمعه ۴۲/۱/۱۶، جلسه منزل دکتر محمود حسایی با شرکت عده‌ای از طبقات مختلف از جمله: روح‌الله ثابت، محتشمی (داماد دکتر محمود حسایی)، شجاع شفتی (عضو فرهنگ عالی دولتی)، علی جدلی (مدیر کل امور همکاری‌های وزارت فرهنگ) تشکیل گردید. در این جلسه دکتر محمود حسایی ضمن انتقاد از عباس هویدا (نخست‌وزیر) اظهار داشت: هویدا پس‌عین‌الملک، از مملین‌های بهایی است و خود او نیز بهایی می‌باشد و اضافه گردید بدین ترتیب در وضع موجود، اوضاع به نفع بهایی‌ها تغییر کرده است. دکتر حسایی اظهار داشت که کلینیه عباس هویدا، مهندس روحانی نیز بهایی است. دکتر حسایی همچنین در مورد او در باره سابقه معاشرت همشیره خانم نخست‌وزیر مرحوم با عباس هویدا اظهاراتی کرد و گفت مشار‌الیها نامزد هویدا است و چندی قبل هنگام هدایت اتومبیلی که نخست‌وزیر سابق و هویدا سرنشینان آن بودند، تصادف می‌کند. شجاع شفتی و دکتر حسایی ضمن اظهار نظر پیرامون وضع دولت جدید، اظهار داشتند این کابینه حداکثر تا دو ماه دیگر، در گفت‌وگفت و گفت مشار‌الیها در مراسم زمینه‌اظهار داشت قرار بود دکتر اقبال نخست‌وزیر بشود، لکن انجام این کار قدری به تعویق افتاد. محتشمی ضمن اشاره به جریانات مسائل روز، در مورد ترور نخست‌وزیر سابق گفت مشار‌الیها در مراسم این سادگی نبوده و جریان امر، ۱۰ سال دیگر فاش خواهد شد. سپس عدم شرکت همسر نخست‌وزیر سابق را در تسبیح جنازه آن مرحوم، مورد مثال قرار داد و گفت از شرکت مشار‌الیها در مراسم مزبور، جلوگیری به عمل آمده است. شجاع شفتی در تعقیب اظهارات محتشمی گفت بعضی اتفاقات در شرایط انجام می‌شود که بالطبع شایعات را بوجود می‌آورد، لکن معلوم نیست این شایعات صحت داشته باشد و شاید ترور مرحوم منصور، صرفاً یک اقدام جاهلانه باشد و افزود که در مورد شایعات، نمی‌توان قضاوت صحیح کرد…»